

کار عمومی اعراب

دوار است، اما مردم عربستان در این مورد تردید دارند

روابط دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی با اسرائیل توسط کشورهای عربی و اسلامی که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند، اعتقاد دارند. جالب توجه است که تنها ۱۶ درصد از پاسخ‌دهندگان سعودی گفتند که حماس باید از تلاش برای نابودی اسرائیل دست بردارد و راه حل تشکیل دو کشور براساس مرزهای ۱۹۶۷ را بپذیرد.

نقش آفرینی رسانه‌ها

روزنامه‌های سعودی تمایل پادشاهی عربستان برای دستیابی به صلح با اسرائیل را پنهان نمی‌کنند زیرا این تمایل با ابتکارات این کشور از سال ۱۹۸۱ که ریاض آن را با دستیابی به راه‌حلی عادلانه، جامع و پایدار برای مسئله فلسطین مرتبط می‌داند، همسو است. رسانه‌های عربستانی آنچه حماس در اکتبر گذشته انجام داد را محکوم و تأکید کرده‌اند که حماس باید درک کند که چرا اعراب چنین اقداماتی را محکوم می‌کنند. عربستان سعودی، معتقد است که ایده حماس در خصوص تشکیل کشوری فلسطینی از رود اردن تا دریای مدیترانه، توهم است. برخی روزنامه‌های سعودی حمله حماس در ۱۷ اکتبر را با حملات ۱۱ سپتامبر مقایسه کردند و پیشنهاد کردند که حماس با این حمله اهداف پنهانی در بر هم زدن خواست عربستان سعودی برای حل کردن مسئله فلسطین داشته است. گفتمان رسانه‌ای در عربستان سعودی نشان‌دهنده

همبستگی با غیرنظامیان غزه و شیطان‌سازی از حماس است. این رسانه‌ها همچنین از افراط‌گرایی کارزار نظامی اسرائیل انتقاد می‌کنند، هر چند شبکه تلویزیونی العربیه سعودی به‌طور گسترده گزارش‌هایی را به صورت منفی درباره حملات حماس پوشش داده است. انتقاد عربستان از اسرائیل در حالی انجام می‌شود که طبق گزارش شرکت تحقیقاتی Oil Change International، عربستان سعودی ۱۵۱ محموله نفتی را در طول شش ماه اول جنگ به اسرائیل ارسال کرده است. رسانه‌های سعودی خود را صرفاً به‌عنوان ناظر جنگ در غزه معرفی می‌کنند، اما به‌طور ضمنی اعلام می‌کنند که پادشاهی سعودی درهای عادی‌سازی روابط با اسرائیل را باز نگه داشته است. رسانه‌های سعودی بر مشروعیت بخشیدن به عادی‌سازی روابط با اسرائیل تمرکز می‌کنند که پیش‌شرط‌هایش تشکیل کشور فلسطینی و بهبود کیفیت زندگی فلسطینیان است. آنچه قابل توجه است، حضور مکرر مقامات و تحلیلگران اسرائیلی در شبکه العربیه است که نشان می‌دهد این رسانه عربستانی سعی دارد به‌طور تدریجی با نشان دادن چهره‌های یهودی، عادی‌سازی روابط میان دو طرف را عادی کند. بیشتر سعودی‌ها چیزی در مورد اسرائیل نمی‌دانند جز آنچه در طول دهه‌ها پس از تأسیس آن و پیدایش مشکل پناهندگان فلسطینی آموخته‌اند. سخنان ملک فیصل، شاه عربستان درباره صهیونیست‌ها و توصیف آنها به‌عنوان

GPFI
GEOPOLITICAL
FUTURES

در سال ۱۹۸۱، فهد، ولیعهد وقت عربستان سعودی، پیشنهاد صلحی را در اجلاس سران عرب در مراکش ارائه کرد که شامل ایجاد یک کشور فلسطینی در کرانه باختری و غزه با پایتختی بیت‌المقدس شرقی بود و در ازای آن درخواست کرد که تضمین‌هایی برای صلح میان همه کشورهای حاضر در منطقه ارائه شود. اما این اجلاس چهار ساعت پس از آغازش به دلیل امتناع سوریه، عراق، الجزایر و لیبی از پذیرش تضمین دادن برای امنیت اسرائیل به سرعت پایان یافت

یک محور توطئه، نقش زیادی در شکل‌گیری افکار عمومی عربستان درباره یهودیان به‌طور کلی و صهیونیسم به‌طور خاص ایفا کرده است. رسانه‌های سعودی هیچ‌گاه به اسرائیل اشاره‌ای نکردند مگر اینکه نسبت به آن هشدار دهند و برنامه‌های آموزشی عربستان در مدارس وجود اسرائیل را نادیده گرفته و نام آن را از روی نقشه حذف کردند. البته برخلاف شبکه الجزیره قطر، العربیه موضعی معتدل در قبال اسرائیل اتخاذ کرده است. در چند سال گذشته، مقامات سابق عربستان سعودی و چهره‌های تأثیرگذار سعودی در رسانه‌های اجتماعی، علناً از فلسطینی‌ها به دلیل هدر دادن فرصت‌ها برای حل مناقشه انتقاد کرده و پست‌های تند و تیزی را به اشتراک گذاشته و نوشتند «مسئله‌من، فلسطین نیست».

یک روزنامه‌نگار برجسته سعودی و مدافع عادی‌سازی عربستان و اسرائیل مدعی شده که اسرائیل در فضای پس از ۱۱ سپتامبر به سر می‌برد و در حال حاضر جایی برای اشکال تراشی درباره محاسبات و تصمیمات بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، وجود ندارد. این روزنامه‌نگار تأکید کرده که نتانیا‌هو نباید فرصت بی‌سابقه صلح با پادشاهی عربستان را از دست بدهد. پس از طوفان الاقصی او نسبت به آینده ابراز خوش‌بینی کرد. این روزنامه‌نگار جنگ‌هایی که در سال ۲۰۰۵ میان حماس و اسرائیل رخ داد و جنگ سال ۱۹۴۸ اعراب با اسرائیل را مسخره کرده است. او از رفتار برخی از دانشگاهیان و روشنفکران عرب انتقاد کرده و گفته که این افراد در آزمون خردورزی و عقلائیت مردود شده‌اند. رسانه‌های سعودی با بیان اینکه باید هر چه سریع‌تر صلح با اسرائیل برقرار شود، هشدار دادند که انتشار جزئیات توافق می‌تواند عادی‌سازی را از مسیر خارج کند. این جزئیات در گفت‌وگوهای مستقیم بین اسرائیل و فلسطینی‌ها نهفته است که ممکن است سال‌ها طول بکشد. سعودی‌ها کاملاً آگاه هستند که اسرائیل براساس شکست فرآیندهای صلح بین دو طرف، از توافق کمپ‌دیوید در سال ۱۹۷۸، توافقنامه اسلور در سال ۱۹۹۳، و نقشه راه صلح ۲۰۰۳ چهارجانبه خاورمیانه، تشکیل کشور فلسطین را نمی‌پذیرد. بنابراین، رسانه‌های سعودی از ایجاد صلح در اسرع وقت حمایت می‌کنند و آن را از مسیر تشکیل دولت فلسطین جدایی می‌کنند.

مسیر صلح ادامه دارد اما...

عربستان سعودی حماس را به‌خاطر به خطر انداختن مذاکرات عادی‌سازی با اسرائیل نخواهد بخشید. ولیعهد عربستان، سیاست خارجی کشورش را ابتدا براساس اصول مدنظر عربستان سعودی استوار می‌کند. بنابراین، با وجود تعداد زیاد تلفات غیرنظامیان فلسطینی بر اثر جنگ، هیچ خط قرمزی بر سر راه انتخاب استراتژیک او برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل، صرف‌نظر از آنچه در غزه اتفاق می‌افتد یا احتمالات تشکیل کشور فلسطینی، باقی‌نمی‌ماند. با این حال، بن‌سلمان به دلیل حمایت فزاینده مردم عربستان از حماس، که تجسم مقاومت در برابر اسرائیل است، با یک چالش داخلی مواجه است. عربستان سعودی می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر آمریکا برای توقف جنگ تأثیر بگذارد. اما از انجام این کار خودداری کرده و در عوض به بهره‌برداری از جنگ برای دنبال کردن منافع خود تمرکز کرده است. سعودی‌ها خواهان امضای توافقنامه دفاعی با آمریکا و احیای مذاکرات صلح با اسرائیل برای ایجاد یک مشارکت اقتصادی مشترک و تحقق بخشی از اهداف توسعه عربستان هستند که اخیراً برای تحقق آنها با مشکل مواجه شده‌اند.

سعودی‌ها به توانایی تشکیلات خودگردان فلسطینی برای اصلاح خود اعتماد ندارند و این چیزی است که کشورهای غربی به‌عنوان پیش‌نیاز مذاکرات درباره راه حل دوکشوری می‌خواهند. رسانه‌های سعودی که بر برقراری صلح، آن‌هم در امروز و نه فردا، اصرار دارند، سعی می‌کنند نشان دهند که تشکیلات خودگردان فلسطین آنقدرها که باید جدی بودن مسئله را درک نمی‌کند و در توانایی خود برای شرکت در مذاکرات موفق تردید دارد. از میان بردن فقدان ایمان افکار عمومی به رهبری فلسطینی، موجب می‌شود که عربستان بتواند امضای توافقنامه صلح با اسرائیل و مقصر دانستن فلسطینی‌ها در خصوص شکست احتمالی پروژه کشور شدن فلسطین را توجیه کند.

ترجمه: آر.یاصدیقی



افزایش یابد. اکنون که اسرائیل گذرگاه مرزی رفح را کنترل می‌کند، برای نیروهای امنیتی مصر دشوارتر شده است که صرفاً کنار بنشینند و به اسرائیلی‌ها اجازه دهند عملیات خود را انجام دهند، به‌خصوص اگر این عملیات منجر به کشته شدن شهروندان مصری و فلسطینی شود. مشخص نیست چه چیزی باعث شد که سرباز مصری به سمت سربازان اسرائیلی شلیک کند اما نیروهای مسلح هیچ کشوری نمی‌توانند کاملاً در برابر احساسات عمومی مصون باشند. با این حال، مصر تمایلی به تأمین امنیت در غزه پس از جنگ ندارد، به همین دلیل است که این کشور و دیگر رهبران عرب پیشنهاد اسرائیل برای استقرار یک نیروی عربی در آنجا تا زمانی که یک دولت فلسطینی راه‌اندازی شود را رد کردند. با این حال، قاهره نمی‌تواند اشغال مجدد اسرائیل را نیز بپذیرد. براساس گزارش ۲۳ می‌پولیتیکو، دولت بایدن در حال بررسی انتصاب یک مقام آمریکایی - احتمالاً مستقر در صحرای سینا - به‌عنوان مشاور ارشد غیرنظامی برای نیروهای عمدتاً فلسطینی در زمان پایان درگیری است. این بخشی از برنامه‌ها و شگفتی‌ها برای ایفای نقش «برجسته» در بیرون آوردن غزه از هرچ و مرچ است. این بدان معناست که مصر، صرف‌نظر از ترجیحاتش، نقشی کلیدی در شکل‌گیری غزه پس از جنگ خواهد داشت. حتی با تشدید درگیری‌های داخلی در دولت تحت رهبری نتانیا‌هو، بعید به نظر می‌رسد که عزم اسرائیل برای نابودی حماس پایان یابد. راه پایان خصومت‌ها طولانی و نامشخص به‌نظر می‌رسد از دیدگاه مصر، تا آن زمان ممکن است خیلی از مسائل مسیر اشتباهی طی کنند.

برای حدود ۱۵ سال، مصر توانسته نوعی نظم را با وجود هر چ‌ومرچ زیاد در غزه حفظ کند.

وقتی حماس در ۷ اکتبر به اسرائیل حمله کرد شرایط دیپلماتیک بسیار بدی برای قاهره ایجاد شد و اوضاع تغییر کرد. مصر تحت فشار شدید در میانجیگری برای آتش‌بس، به یک بازیگر اصلی در مذاکرات غیرمستقیم بین اسرائیل و حماس تبدیل شد. قاهره شرایطی را مهیا می‌کند که ایالات متحده و قطر که پناهگاهی برای رهبری مرکزی حماس است، در این مذاکرات دخیل باشند. این رویه قاهره برای ارسال این پیام به مردم مصر است چراکه مردم مصر به مسئله فلسطین بسیار توجه دارند. بنابراین دولت مصر قصد دارد نشان دهد که با تب و تاب کار می‌کند تا به مرگ و میرانی در غزه پایان دهد. دولت السیسی که در دسامبر گذشته برای سومین دوره رئیس‌جمهور شد، با مشکلات جدی اقتصادی مواجه است و برای حفظ نظم داخلی در تقلا است. در ماه مارس، مصر پس از تصویب وام ۸ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول، به یک بستان کم‌کم مالی ۵۰ میلیارد دلاری نیز نیاز داشت. به زبان ساده‌تر، مرگ یک سرباز به دست اسرائیل در مرز رفح اصلاً در راستای مصالح مصر نیست و می‌تواند به نارضایتی‌های داخلی در مصر دامن بزند. مصر به‌هیچ‌عنوان تمایلی ندارد درگیری میان حماس و اسرائیل در غزه، جرقه نارضایتی‌های داخلی در مصر باشد. با توجه به اینکه مشاور امنیت ملی اسرائیل می‌گوید عملیات نظامی در غزه احتمالاً تا پایان سال ادامه خواهد داشت، خطر درگیری‌های بیشتر، هر چند تصادفی، ممکن است

مصر داشت و بنابراین به‌طور اتوماتیک به یک مشکل سیاسی داخلی برای مصر تبدیل شد. زمانی که جنگ داخلی فلسطین در سال ۲۰۰۷ آغاز شد و طی آن شاخه شبه‌نظامی حماس، غزه را تصرف کرد، وضعیت برای مصر بدتر شد. این وضعیت در جریان قیام بهار عربی پرتنش‌تر شد. در سال ۲۰۱۱، حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر، که عملاً از زمان مرگ سادات، رهبری مصر را برعهده داشت، برکنار شد و یک سال بعد با نامزدی از اخوان المسلمین جایگزین شد. اخوان المسلمین در انتخابات پارلمانی نیز پیروز شد. اگرچه دولت اخوانی مصر از کم‌کم به حماس در طول جنگ غزه در سال ۲۰۱۲ خودداری کرد، اما ارتش مصر نسبت به نحوه رفتار اسرائیل در حرکت به جلو بسیار هوشیار بود. در هر صورت، ارتش مصر در سال ۲۰۱۳ قدرت را از اخوان المسلمین پس گرفت و در سال ۲۰۱۴، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور کنونی را به قدرت رساند. این تسلط نگرانی‌های داخلی در مورد حماس را برطرف کرد، اما حماس همچنان قدرت برتر در غزه شناخته می‌شد و گروه فتح و تشکیلات خودگردان نیز در کرانه باختری قدرت را در دست داشتند. قاهره رویکردی دوجانبه برای این وضعیت ایجاد کرد. نخست، با اسرائیل برای محاصره نوار غزه همکاری کرد تا حماس را مجبور به مذاکره با فتح کند. چندین دور از مذاکرات با میانجیگری مصر شکست خورد، اما نقش میانجیگری مصر تثبیت شد و توانست تا حدودی منافع مصر را تأمین کند. دوم اینکه قاهره در درگیری‌های سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱، از طرف حماس با اسرائیل مذاکره کرد تا آتش‌بس برقرار شود.



انحلال کابینه جنگ نتانیا‌هو

روز گذشته بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، کابینه جنگ را منحل کرد. کانال ۱۲ تلویزیون رژیم اسرائیل اعلام کرد که نتانیا‌هو پس از درخواست وزیر امنیت داخلی، ایتمار بن‌گورین، برای پیوستن به کابینه جنگ، به وزرای خود ابلاغ کرد که این کابینه را منحل کرده است. قرار است نتانیا‌هو به جای این شش‌وزیر جنگ منحل شده، یک شورای کوچک‌تر برای رایزنی‌های حساس تشکیل دهد. بنی‌گانتز از اعضای کابینه جنگ رژیم صهیونیستی به همراه گادی آیزنکوت، رئیس اسبق ستاد کل ارتش اشغالگر، یکشنبه هفته پیش (۲۰ خرداد) با بیان این که شخص بنیامین نتانیا‌هو مانع پیشرفت در جنگ و حرکت به سوی پیروزی است، گفت که دیگر به همکاری با وی ادامه نمی‌دهد و از عضویت در این کابینه اضطراری استعفا کرد. او همچنین خواهان برگزاری انتخابات زودهنگام شد. گانتز درباره حضور خود در کابینه جنگ گفت: «حضور در کابینه جنگ به‌خاطر سرنوشته مشترک بود نه شراکت سیاسی.»

محافل امنیتی رژیم صهیونیستی که دیدگاه‌شان درباره جنگ علیه غزه به دیدگاه گانتز و آیزنکوت نزدیک‌تر است، نگران هستند که در صورت استعفای این دونفر، نتانیا‌هو و بن‌گورین تصمیم‌گیرندگان اصلی در این شورا شوند. رسانه‌ها و مقامات اسرائیلی استعفای این دو مقام از کابینه جنگ رژیم صهیونیستی را اقدامی منفی و به ضرر تل‌آویو در جنگ کنونی علیه غزه توصیف کردند. یائیر لاپید، رهبر احزاب مخالف کابینه رژیم صهیونیستی گفت که زمان اتحاد احزاب مخالف علیه کابینه شکست‌خورده نتانیا‌هو فرا رسیده است. لاپید گفت: «در زمانی که نظامیان ما (در غزه) در حال کشته شدن بوده، نتانیا‌هو قانونی را به پیش برد که ملت‌مان را بیشتر از پیش پاره‌پاره کرده و تفرقه را افزایش می‌دهد». او در ادامه گفت: «هم‌اکنون زمان آن فرا رسیده که احزاب مخالف در نبردی مشترک علیه این کابینه شکست‌خورده متحد شوند». رهبر احزاب مخالف کابینه رژیم صهیونیستی تأکید کرد: «هر کاری در راستای سرنگونی این کابینه انجام خواهیم داد».

جنبش مجاهدین فلسطین در بیانیه‌ای به انحلال کابینه جنگ اسرائیل واکنش نشان داد و گفت: «انحلال امروز نهاد به اصطلاح «شورای جنگ» صهیونیستی پس از استعفای بنی‌گانتز و گادی آیزنکوت بیانگر میزان سردرگمی، شکست و بحران عمیقی است که نهاد‌های رژیم صهیونیستی در سایه حملات مداوم مقاومت دچار آن شده‌اند و این با وجود حمایت بی‌حوصصر بین‌المللی از این رژیم و کشتارهای نسل‌کشی مداوم علیه مردم ما بوده است.» جنبش مجاهدین فلسطین خاطر نشان کرد: «بحران و شکست صهیونیست‌ها در سطح سیاسی ناشی از ناکامی‌های میدانی، نظامی و اطلاعاتی مداومی است که از ۸ ماه قبل با تجاوزات وحشیانه به غزه ادامه دارد.»

در این بیانیه آمده است: «این اقدام به‌وضوح شکست اهداف جنگ صهیونیستی علیه غزه و مقاومت آن را نشان می‌دهد که نتیجه پایداری و جانفشانی مردم دلاور ماست که طرح‌های آوارگی و کوچ اجباری را خنثی کردند و شکست صهیونیست‌ها همچنین نتیجه ایستادگی و خلاقیت‌های مقاومت سرفراز و مستمر ماست.»

از سوی دیگر، اعضای خانواده و نزدیکان آسرای صهیونیست از صبح روز دوشنبه براساس فراخوان، تظاهراتی را علیه نخست‌وزیر اسرائیل به‌راه‌انداختند. روزنامه عبری هآرتس فاش کرد که مخالفان کابینه رژیم صهیونیستی که عمدتاً اعضای خانواده و نزدیکان آسرای صهیونیست هستند، با مسدود کردن اتوبان یک و دو در نزدیکی «هرتز لیا» تظاهراتی را در خیابان غزه در نزدیکی محل اقامت بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر این رژیم برگزار کرده‌اند. این روزنامه عبری همچنین نوشت، معترضان خواستار آزادی آسرای صهیونیست در غزه شدند. آنها همچنین از بنیامین نتانیا‌هو خواستند با جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) بر سر تبادل آسرا توافق کند. خانواده‌های آسرای صهیونیستی تقریباً هر روز برای آزادی آسرای خود تظاهرات می‌کنند. آنها با سیاست‌های نتانیا‌هو و کابینه وی در مورد جنگ غزه و نحوه آزادی آسرا مخالف هستند. خانواده‌های آسرای صهیونیست تأکید دارند نتانیا‌هو عمداً مانع رسیدن به توافق مبادله آسرا می‌شود و آسرای صهیونیست در اسارت در غزه کشته می‌شوند.